چون خواستید نماز بگزارید صف‌های خود را [به نیکی] برپا دارید، سپس یکی از شما امامت‌تان را بر عهده گیرد و چون تکبیر گوید، تکبیر گویید

از حِطّان بن عبدالله رَقاشی روایت است که گفت: با ابوموسی اشعری نمازی را ادا کردم، وقتی در قعده‌ی نماز بود، مردی از میان جمع گفت: نماز [در قرآن] همراه با نیکوکاری و زکات آمده است. راوی می‌گوید: وقتی ابوموسی [که امام بود] نماز را به پایان رساند و سلام گفت، برگشت و گفت: چه کسی چنین و چنان گفت؟ کسی چیزی نگفت؛ پس [دوباره] پرسید: کدامیک از شما چنین و چنان گفت؟ مردم ساکت ماندند. پس گفت: ای حِطّان، شاید تو آن را گفتی؟ گفت: من آن را نگفتم و ترسیدم که مرا [به آن متهم و] توبیخم کنی. پس مردی از میان جمع گفت: من آن را گفتم و قصدی جز خیر نداشتم. ابوموسی گفت: مگر نمی‌دانید که در نمازتان چه بگویید؟ رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ برای ما خطبه گفت و روش ما (در دینداری) را برای ما تبیین نمود و نمازمان را به ما آموزش داد، چنانکه فرمود: «إِذَا صَلَّيْتُمْ فَأَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ، ثُمَّ لِيَؤُمَّكُمْ أَحَدُكُمْ فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَإِذْ قَالَ: {غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلا الضَّالِّينَ} [الفاتحة: 7]، فَقُولُوا: آمِينَ، يُجِبْكُمُ اللهُ، فَإِذَا كَبَّرَ وَرَكَعَ فَكَبِّرُوا وَارْكَعُوا، فَإِنَّ الْإِمَامَ يَرْكَعُ قَبْلَكُمْ، وَيَرْفَعُ قَبْلَكُمْ»، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَتِلْكَ بِتِلْكَ، وَإِذَا قَالَ: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، فَقُولُوا: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، يَسْمَعِ اللهُ لَكُمْ، فَإِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، وَإِذَا كَبَّرَ وَسَجَدَ فَكَبِّرُوا وَاسْجُدُوا، فَإِنَّ الْإِمَامَ يَسْجُدُ قَبْلَكُمْ وَيَرْفَعُ قَبْلَكُمْ»، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «فَتِلْكَ بِتِلْكَ، وَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْقَعْدَةِ فَلْيَكُنْ مِنْ أَوَّلِ قَوْلِ أَحَدِكُمْ: التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»: «چون خواستید نماز بگزارید صف‌های خود را [به نیکی] برپا دارید، سپس یکی از شما امامت‌تان را بر عهده گیرد و چون تکبیر گوید، تکبیر گویید و چون {غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلا الضَّالِّينَ} گفت، آمین بگویید تا الله شما را اجابت کند؛ و چون تکبیر گفت و به رکوع رفت، تکبیر گویید و به رکوع بروید؛ زیرا امام پیش از شما به رکوع می‌رود و پیش از شما از رکوع برمی‌خیزد». آنگاه رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: «این در برابر آن؛ و چون سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گفت، بگویید: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، الله صدای شما را می‌شنود، زیرا الله بر زبان پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرموده است: سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه (الله شنید آنکه حمدش را گفت) و چون تکبیر گفت و به سجده رفت، تکبیر بگویید و به سجده بروید، زیرا امام قبل از شما به سجده می‌رود و قبل از شما [از سجده] برمی‌خیزد» آنگاه رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: «پس این در برابر آن؛ و چون در نشستن نماز [برای تشهد] بود، نخستین سخن هریک از شما این باشد که: التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

صحابی گرامی، ابوموسی اشعری ـ رضی الله عنه ـ نمازی را برای مردم امامت کرد، پس چون در نشستنی بود که تشهد در آن خوانده می‌شود مردی از نمازگزارانی که پشت سرش بودند گفت: نماز در قرآن همراه با نیکوکاری و زکات آمده است. وقتی ابوموسی ـ رضی الله عنه ـ نماز را به پایان رساند، رو به نمازگزاران کرد و پرسید: کدام یک از شما گفت: نماز در قرآن همراه با نیکوکاری و زکات آمده است؟! اما مردم ساکت ماندند و کسی از آنان چیزی نگفت، بنابراین سوالش را دوباره تکرار کرد؛ و چون کسی پاسخش را نداد ابو موسی ـ رضی الله عنه ـ گفت: ای حِطّان، شاید تو آن را گفته‌ای؟! زیرا حطان جسور بود و به او نزدیک بود و متهم کردن او، به وی آزار نمی‌رساند و این کار باعث می‌شد فاعل واقعی اعتراف کند. پس حِطّان این اتهام را نفی کرد و گفت: ترسیدم به گمان آنکه من آن را گفته‌ام مرا توبیخ کنی. اینجا بود که مردی از میان جمع گفت: من آن را گفته‌ام و قصدی جز خیر نداشتم. چنین

بود که ابوموسی در مقام معلم گفت: آیا نمی‌دانید در نمازتان چه بگویید؟! و این را از باب نفی سخنانی گفت که آن شخص در نماز گفته بود؛ سپس ابوموسی خبر داد که یک بار پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ برای آنان خطبه خواند و شریعت و نحوه‌ی دینداری‌شان را برای‌شان تبیین کرد و نمازشان را به آنان یاد داد، چنانکه فرمود: هرگاه نماز گزاردید، صف‌های‌تان را استوار دارید و در آن راست و به اعتدال بایستید، سپس یکی از آنها مردم را امامت دهد و چون امام تکبیر احرام را گفت، مانند او تکبیر گویید؛ و هرگاه سورهٔ فاتحه را خواند و به {غیر المغضوب علیهم ولا الضالین} رسید، آمین بگویید؛ که اگر چنین کنید الله دعای شما را استجابت کند؛ و چون تکبیر گفت و به رکوع رفت، تکبیر بگویید و به رکوع بروید، زیرا امام قبل از شما به رکوع می‌رود و قبل از شما از رکوع برمی‌خیزد، پس از او جلو نزنید، زیرا آن لحظه‌ای که امام با زودتر رفتن به رکوع، زودتر از شما به دست آورده با تاخیر شما [و ماندن] در رکوع پس از بلند شدن او برای‌تان جبران می‌شود، پس آن لحظه، در برابر این لحظه؛ و درنتیجه اندازهٔ رکوع شما همانند رکوع او شده است؛ و چون امام سمع الله لمن حمده گفت، بگویید: اللهم ربنا لك الحمد، زیرا هرگاه نمازگزاران این را بگویند الله متعال دعای‌شان و سخن‌شان را می‌شنود زیرا الله تبارک و تعالی بر زبان پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرموده است: سمع الله لمن حمده (الله شنید آنکه حمد او را گفت) سپس هرگاه امام تکبیر گفت و به سجده رفت، مأمومین هم باید تکبیر بگویند و به سجده روند، زیرا امام پیش از آنان به سجده می‌رود و پیش از آنان از سجده برمی‌خیزد، پس آن لحظه در برابر آن لحظه است و سجدهٔ نمازگزاران به اندازهٔ سجدهٔ امام می‌شود؛ و هرگاه وقت نشستن برای تشهد بود باید نخستین چیزی که نمازگزار می‌گوید این باشد که: «التحیات الطیبات الصلوات لله» یعنی: مُلک و بقا و عظمت همه‌اش شایستهٔ الله است و همینطور نمازهای پنجگانه همه‌اش شایستهٔ الله است. «السلام علیك أیها النبي ورحمة الله وبرکاته، السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین» یعنی: از الله تعالی سلامت از هر عیب و آفت و نقص و فساد را خواهانم و سلام خاص را متوجه پیامبرمان محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌کنیم و سپس بر خودمان سلام می‌فرستیم و سپس بر بندگان نیکوکار الله که حقوق الله تعالی و حقوق بندگانش را رعایت می‌کنند، سپس گواهی می‌دهیم که معبود به حقی نیست جز الله و گواهی می‌دهیم که محمد، بنده و پیامبر اوست.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/65097